

تأثیر ساختار ارزشی جوانان بر گرایش به همباشی *

فیروزه فیروز^۱، باقر ساروخانی^۲، طهمورث شیری^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷، تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱)

چکیده

همباشی یکی از شکل‌های نوین زندگی مشترک است که در سال‌های اخیر به‌ویژه در میان جوانان، با توجه به تغییر ساختارهای ارزشی و هنجاری جوامع، به یک مسئله اجتماعی مهم تبدیل شده است. هدف مقاله حاضر تحلیل تأثیر ساختار ارزشی جوانان بر گرایش به همباشی است. روش تحقیق کیفی با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای است و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه است. جامعه آماری خبرگان و متخصصان حوزه خانواده اند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ۲۰ نفر انتخاب شدند. داده‌ها با کدگذاری سه مرحله‌ای باز، انتخابی و محوری تحلیل شدند که ۱۱۷ مفهوم، ۳۰ مقوله و ۱۴ مضمون از آن‌ها مستخرج شد. پدیده مرکزی «زوجیت بی‌ثبات» انتخاب گردید. یافته‌ها نشان داد همباشی در ایران نه صرفاً برآمده از انتخاب آگاهانه و آزادانه جوانان که محصول تعارض ساختارهای سنتی با الزامات جهان مدرن است. این پدیده بازتابی از گذار ارزشی ناقص ارزیابی شده است.

واژگان کلیدی: همباشی، ارزش، جوانان، زوجیت بی‌ثبات و سنت‌گرایی.

Doi: 10.22034/JSI.2025.2053255.1772

* مقاله علمی پژوهشی؛

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه مسائل اجتماعی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
firouzeh_firouz@yahoo.com

۲ استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
b.saroukhani@yahoo.com

۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
shiri.tahmures@gmail.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، ص ۱۴۸-۱۲۵

بیان مساله

همزمان با تغییرات جهان مدرن و ورود به مدرنیته، تغییر ساختار نهاد خانواده از گسترده به هسته‌ای شکل گرفت و در کنار آن سبک زندگی خانواده نیز تغییر کرده است. در چند دهه گذشته، سبک زندگی خانواده دچار تحولاتی شده که با شرایط گذشته به کلی متمایز بوده و وضعیت جدید به سمت سست شدن پیوندهای خانوادگی، روابط عاری از قدرت در درون خانواده، کاهش پایداری خانواده، کم شدن هنجارهای خانوادگی در کنترل و سامان بخشی به رفتارها و روابط اعضای خانواده، تغییر ساختار نظام سنتی خانواده، تقسیم نقش‌ها بدون جایگزینی پدیدار شده است. «تشکیل خانواده یکی از ارزش‌ها و الگوهای رفتاری زندگی اجتماعی است که در دهه‌های اخیر، دگرگونی بسیاری یافته است» (امیدوار و همکاران، ۱۴۰۱). تغییرات سبک زندگی که در درون ساختار نظام خانواده ایجاد شده چندان گسترده و زیاد است که رصد نمودن دائمی این تحولات را گریزناپذیر می‌نماید. ازدواج اغلب به شیوه‌های قانونی، دینی و فرهنگی انجام می‌شده که ماهیت و کیفیت آن از طریق هنجارهای اجتماعی بر ساخته می‌شود و پیوندی است میان دو نفر از دو جنس مخالف در شبکه‌ای از حقوق و الزامات مشترک بر مبنای ویژگی‌های فرهنگی آنها. در سال‌های اخیر، این پیوند و ساختار آن دچار تغییراتی شده است، از جمله تغییر در این ساختار، افزایش همباشی است (چیت ساز ۱۴۰۱). در این نوع جدید ازدواج پیوندی است که به مدت زمان نامعلومی بین دو فرد برقرار می‌شود پیوندی که فاقد مشروعیت حقوقی است و با آموزه‌های دینی و فرهنگی همخوانی ندارد (مطلق و قریشی، ۱۴۰۱).

«خاستگاه پدیده همباشی کشورهای شمال اروپا و جنبش آزادی زنان در آمریکا است پس برای ایرانی‌ها پدیده‌ای خارجی و وارداتی است. همباشی از آن جهت در ایران مسئله ساز شده است که خلاف قوانین رسمی و شرع و دین رسمی کشور و طبعا خلاف عرف جامعه است» (خانین سومار ۱۴۰۰). «افزایش همباشی غیرازدواجی، مدل‌های نظری مرسوم و رویکردهای اندازه‌گیری را برای مطالعه ازدواج سنتی تغییر داده است و مسائل را پیچیده می‌کند» (ساسلر و لیچر^۱، ۲۰۲۰). همزیستی‌های نوپدید یا همباشی، شیوه‌ای از زندگی مشترک بدون عقد و پیوند رسمی ازدواج است و در سال‌های اخیر در ایران مطرح شده است «حسینی و همکاران، ۱۴۰۱». همباشی به رغم میل والدین و سنت‌های بازدارنده، در میان بخشی از جوانان جا افتاده است که تغییراتی را در حیطه تداوم ازدواج و تعهدات زوجین به وجود می‌آورد. تعهد

1 Sassler Sharon, Daniel T. Lichter

در همبازی به ویژه به عنوان مورد خاصی از تعهد به حساب می آید که شامل پیچیدگی‌های فردی، اجتماعی و حقوقی بوده و در انواع روابط دیگر یافت نمی شود. حتی اگر فرزندی دنیا آید با چالش های فراوانی مواجه است. «همبازی ممکن است تأثیرات منفی بین نسلی داشته باشد. تحقیقات در کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که فرزندان خانواده های والدینی که با هم زندگی می کنند، احساس بهتری دارند» (موتنگی و همکاران، ۲۰۲۲). برخی همبازی را نوعی رابطه بدون تعهد می دانند و برخی دیگر تعهد در همبازی را شکننده و ناپایدار و منوط به یک رابطه رضایتبخش می دانند. در واقع عقلانیت مدرن سیال امروز، به سمت روابط جدید و کمتر متعهدانه سوق پیدا کرده است. با افزایش طلاق و جدایی، همبازی عدم پیش بینی پذیری بیشتری را در مسیر زندگی ایجاد کرده است. «افزایش همبازی ماهیت تشکیل و انحلال روابط مشترک را تغییر می دهد و پیامدهای آن نه تنها زوجین بلکه سایر اعضای خانواده، شبکه های اجتماعی، حمایت های دولتی و جامعه به مثابه کل را هم تحت تأثیر قرار می دهد». (سانچس گاسن و پرلی-هریس^۱، ۲۰۱۵). «زندگی های مشترک غیررسمی که معمولاً تأیید والدین زوج ها را ندارند اغلب به جدایی ختم می شوند» (ایونیک ماتینجی و همکاران، ۲۰۲۲). به هر حال ساختار ارزشی جوانان در تجربه زیسته همبازی تحت تاثیر عواملی است که پیامدها و راهبردهایی را به دنبال دارد که نیاز به انجام تحقیق علمی دارد. بنابراین مساله تحقیق کنونی تحلیل تأثیر ساختار ارزشی جوانان بر گرایش به همبازی است.

پیشینه تجربی

تاکنون تحقیقات مختلفی از زوایای گوناگون به موضوع همبازی پرداخته اند. که در این قسمت به چند مورد از آنها اشاره می شود:

علیوردی نیا اکبر و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی به نام «تبیین جامعه شناختی نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج سفید»، از منظر نگرشی، نشان دادند که تفاوت معناداری میان دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد؛ اما از بُعد رفتاری، دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر ازدواج سفید (داشتن رابطه بدون تعهد) را تجربه کرده اند. هرچه ارزش، دفعات و احتمال پاداش برای یک رفتار اجتماعی بیشتر باشد، احتمال وقوع و تکرار آن بیشتر است و به عکس.

1 Sanchez Gassen and Perelli-Harris

مطلق معصومه و مهدیه قریشی (۱۴۰۱)، در تحقیقی با عنوان «مطالعه جامعه شناختی پدیده همباشی در شهر تهران»، نشان دادند که عوامل اقتصادی (بیکاری و نداشتن امنیت شغلی، هزینه های ازدواج و...)، عوامل حقوقی و قانونی (مسئولیت در ازدواج و ناعادلانه بودن قرارداد ازدواج و مهریه سنگین و ضمانت اجراهای حقوقی) و عوامل اجتماعی (تغییرات اجتماعی مشتمل بر: تعارض های نسلی، ناهنجاری های جنسی و افزایش تضاد در سطح جامعه و...) بیشترین تأثیر را در پدیده همباشی دارند.

چیت ساز محمدجواد (۱۴۰۱)، در تحقیقی به نام «بررسی وضعیت همباشی در ایران: فراترکیب پژوهش های همباشی»، نشان می دهد که همباشی در ایران در میان طبقات متوسط شهری، گروه های سنی جوان و تحصیل کردگان دانشگاهی رواج یافته است و به دلیل غیرقانونی بودن و مجازات شدید در صورت افشای آن، از میزان آن اطلاعی در دست نیست؛ ولی بررسی داده های نگرش سنجی حاصل از پیمایش های ملی در دهه نود نشان از افزایش موافقت با این پدیده در سطح نگرشی دارد. حداقل با دو سنخ از همباشی در ایران روبه رو هستیم: سنخ اول بیشتر در قالب یک نوع الگوی روابط پیش از ازدواج قابل طبقه بندی است؛ و سنخ دوم همباشی به عنوان بدیل ازدواج است.

محجل کاظمی (۱۳۹۹) در پژوهش «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر گرایش دانشجویان دانشگاه های آزاد و دولتی شهر تهران نسبت به ازدواج سفید» نشان می دهد که بازاندیشی در سنت ها، ارزش های مدرن خانوادگی، ارزش های فردگرایانه، خانواده به مثابه یکی از نخستین نهادهای هنجار گذار بر فرد، وضعیت روابط با دیگران، نظم خرد در سطح خانواده، ناهمنوایی با هنجارها و قوانین، باور به آموزه های فمینیستی، تغییرات نگرشی مدرن، دین داری، دیدن فیلم های پورن و نرفتن زیر بار تعهد ازدواج با گرایش به این نوع از ازدواجها رابطه دارند.

اکبرزاده (۱۳۹۹) در پژوهش «تجربه عشق و تعهد در ازدواج سفید بر اساس نظریه مبنایی (مورد مطالعه: شهر اصفهان)» به این نتیجه رسیده است که شرایط علی ازدواج سفید عبارت است از «میل به فردگرایی عادلانه»، «ترس، تردید و بدبینی نسبت به ازدواج» و «عشق و تعهد به مثابه ارضاء نیازها». شرایط زمینه ای پدیده بر اساس این تحقیق عبارت بوده است از «شرایط اقتصادی نامن» و «سرمایه اجتماعی درون خانواده مبدأ» و شرایط مداخله گر «گسترش شبکه ارتباطات اجتماعی» و «نگرش مثبت یا منفی خانواده به رابطه فرد» بوده است. استراتژی های کنش هم‌بالین ها نیز عبارت بوده است از «کنشگری بازاندیشانه در معنای عشق، تعهد و ازدواج»،

«مقاومت در برابر هنجارهای مسلط فرهنگی و اجتماعی» و «راهبرد اقتصادی». در نهایت پیامدهای رابطه از منظر افراد هم‌بالین «واپس‌زدگی اجتماعی» و «انتخاب عقلانی بر مبنای فایده‌گرایی» بوده است.

پیلار^۱ (۲۰۲۳)، در تحقیقی به نام «تغییر شیب اجتماعی ازدواج و همباشی در هفت کشور آمریکای لاتین»، به افزایش کلی در همباشی زندگی مشترک اول در طول زمان، به برخی تفاوت‌های مهم در بین کشورها اشاره کرده است. تحلیل چند متغیره در این تحقیق نشان داد که تحصیلات زنان بر نوع و توالی اولین پیوند تأثیر می‌گذارد. زنانی که از نظر اجتماعی-اقتصادی محروم هستند، به‌طور فزاینده‌ای احتمال دارد که به زندگی مشترک اولیه روی آورند و به جای ازدواج وارد همباشی شوند.

ساسلر و لیچر^۲ (۲۰۲۰)، در تحقیقی با عنوان «همباشی و ازدواج: پیچیدگی و تنوع در الگوهای تشکیل زندگی مشترک»، نشان داده‌اند که افزایش همباشی غیرازدواجی، مدل‌های نظری مرسوم و رویکردهای اندازه‌گیری را برای مطالعه ازدواج سنتی تغییر داده و مسائل را پیچیده کرده است، اما همچنین باعث تقویت دانش خانواده در مورد تشکیل زندگی مشترک شده است و پیامدهای آن برای شرکا، فرزندان و جامعه قابل توجه است.

وندی منینگ^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیق «انتظارات زندگی مشترک در میان بزرگسالان جوان در ایالات متحده: آیا آنها با رفتار مطابقت دارند؟» گزارش کرده‌اند که زندگی مشترک همچنان در حال افزایش است، اما عدم آگاهی در مورد انتظارات برای زندگی مشترک و ارتباط بین انتظارات و زندگی مشترک بعدی وجود دارد. بنا به گزارش آن‌ها تغییرات قابل توجهی در انتظارات زندگی مشترک پیدا شده است: برای ۳۹٫۹٪ هیچ انتظاری برای زندگی مشترک در آینده ندارند و ۱۶٫۶٪ احتمال بالای زندگی مشترک در دو سال آینده را گزارش کردند. تنها ۳۸ درصد از جوانان با انتظارات خاص زندگی مشترک در سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۰ وارد زندگی مشترک شدند.

میلسو ویتوکاوا^۴ و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیقی به نام «استاندارد زدایی از مسیرهای خانوادگی»، یافته‌های پنج بعد از فردی کردن نگرش‌ها در فرآیندهای تشکیل خانواده را

1 Pilar

2 Sassler Sharon, Daniel T. Lichter

3 Wendy Manning

4 Miluše Vitečková

شناسایی کرده اند: تنوع دیدگاه‌ها در مورد زمان ورود به ازدواج از نظر سن و طول زندگی مشترک؛ تاکید بر موانع موقعیتی برای ورود به ازدواج؛ تضعیف تأثیر خانواده؛ توجه به دیدگاه‌ها در مورد (مضرات) قانونی ازدواج؛ و معانی نمادین مختلف مرتبط با ازدواج و زندگی مشترک و وضعیت تاهل.

جمع‌بندی پیشینه و نوآوری تحقیق حاضر

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که همبستگی، تحت تأثیر عوامل چندبعدی از جمله عوامل اقتصادی (هزینه ازدواج، ناامنی شغلی)، فرهنگی-اجتماعی (فردگرایی، تغییر ارزش‌ها، فمینیسم)، حقوقی (مهریه سنگین، مسئولیت‌های ازدواج) و روان‌شناختی (ترس از تعهد، نیاز به عشق) شکل گرفته است. این پدیده در میان جوانان شهری، تحصیل کرده و طبقه متوسط رواج بیشتری دارد و در سطح جهانی نیز روندی صعودی دارد. نوآوری این پژوهش به این صورت است که با استفاده از روش گرندد ثنوری، به بررسی تأثیر ساختار ارزشی جوانان بر گرایش به همبستگی می‌پردازد و با تحلیل عمیق‌تر تعارض ارزش‌های سنتی و مدرن، نقش سرمایه فرهنگی و الگوهای نوین عشق ورزی چارچوبی نظری برای تبیین این پدیده ارائه می‌دهد. همچنین، تمرکز بر تجربه زیسته جوانان ایرانی در این پژوهش و مقایسه آن با یافته‌های جهانی، گامی نو در شناخت این مسئله اجتماعی است.

مبانی و چارچوب مفهومی

نظریه‌پردازان مختلفی از زاویه‌های گوناگونی به موضوع تأثیر ساختار ارزشی جوانان بر گرایش به همبستگی پرداخته‌اند. پدیده همبستگی (زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی) به مثابه یک الگوی جایگزین ازدواج سنتی، تحت تأثیر تحولات ساختاری و دگرگونی‌های ارزشی در جوامع مدرن قرار دارد. لسته‌هاک و سورکین بر این باور بودند که تغییرات در ازدواج، همبستگی، آزادی جنسی، طلاق، فرزند آوری نامشروع و باروری پایین که بعدها آنها آن را تحت عنوان «گذار جمعیتی دوم» نامیدند (لسته‌هاک و سورکین، ۲۰۰۸: ۸۱-۸۳) را می‌توان از منظر جامعه‌شناسی، با ترکیبی از نظریه‌های تغییر ارزش‌ها (اینگله‌هارت، ۲۰۱۸)، فردگرایی (کیدنز، ۱۹۹۲) و انتخاب عقلانی (کلمن، ۱۹۹۰) تحلیل کرد. ارزش خویشاوندی تضعیف شده و انتخاب مکان زندگی و دایره روابط خانوادگی برای زوج‌های جوان از ارزش بالایی برخوردار شده است (کورجین و مانیتینگ، ۲۰۰۰). تغییر ارزش‌ها و گذار به مدرنیته هم عامل مهمی است: بر اساس نظریه گذار ارزشی اینگله‌هارت

(۲۰۱۸) جوامعی که به سمت مدرنیته حرکت می‌کنند، شاهد کاهش ارزش‌های سنتی (تکیه بر خانواده، مذهب و ازدواج رسمی) و افزایش ارزش‌های فرامادی (تأکید بر آزادی فردی، عشق و خودشکوفایی) هستند. همبازی در این چارچوب، بازتابی از اولویت‌یافتن رضایت شخصی بر تعهدهای نهادی است. با افزایش جوامع فراصنعتی، تغییر فرهنگی شروع به حرکت در جهت دیگری می‌کند. در این مرحله، تغییر ارزش‌های سنتی به عقلانی آهسته تر صورت می‌گیرد. این تغییر به آهستگی در طول انتقال از جوامع پیش از صنعتی به جوامع صنعتی در حال حرکت بود؛ اما هنگامی که جوامع صنعتی به سمت فراصنعتی حرکت کردند به روند مسلط تبدیل گردید (اینگلهارت و ولزل^۱، ۲۰۰۷: ۲۰). تورنتون^۲ فردگرایی را اساس تغییر خانواده در کشورهای صنعتی می‌داند. به نظر فابری^۳ فردگرایی به زنان اجازه داد که تصمیم آنها در خصوص تشکیل خانواده و فرزندآوری بر علایق شخصی مبتنی باشد. همبازی فرصتی است برای درک طرفین از یکدیگر برای رسیدن به ازدواجی بهتر که در ضمن سن ازدواج را نیز به تأخیر می‌اندازد. مطالعات زیادی نشان داده که همبازیها گرایش به داشتن استقلال و آزادی فردی بیشتر نسبت به زوجهای متأهل دارند. (پورتمن و میلز، ۲۰۱۲). فردگرایی و رابطه ناب نیز در این زمینه مورد توجه بوده است. آنتونی گیدنز (۱۹۹۲) در نظریه «رابطه ناب» استدلال می‌کند که در جوامع مدرن، روابط نه بر پایه سنت که بر اساس رضایت متقابل و انعطاف‌پذیری شکل می‌گیرند. همبازی نمونه‌ای از این الگو است، جایی که تعهد مشروط جای پیمان دائمی را می‌گیرد. گیدنز خانواده را یکی از نهادهایی می‌داند که تحت تأثیر نیروی جهانی شدن دگرگون شده و تغییر شکل یافته است. کانون این دگرگونی و تغییر ابتدا در برخی جوامع اروپای غربی و ایالات متحده و سپس با درجات متفاوت در کشورهای دیگر جهان بوده است. «در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در سبک زندگی شخصی - در روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده - در حال وقوع است» (گیدنز، ۱۳۹۵: ۱۲). گیدنز سیر تحول خانواده و دگرگونی‌های آن را در اثر دیگر خود یعنی " تغییر شکل صمیمیت " با عنوان فرعی " جنسیت، عشق و شهوت در جوامع مدرن " بررسی می‌کند. وی به الگوهای اصلی صورت بندی مفهوم صمیمیت، عشق و جنسیت می‌پردازد. در دوران مدرن ارتباطات جنسی بین دو جنس تغییر کیفی یافته است. به نظر گیدنز بروز پدیده ای بنام دموکراسی عاطفی در روابط جدید خانوادگی از نتایج جنسی جهانی شدن است که در

1 Inglehart & Welzel

2 Thornton

3 Folbre

آن زندگی خانوادگی و احساسات بر مبنای شاخص‌های دموکراتیک شکل می‌گیرد و به دموکراتیک شدن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منجر می‌شود. (گیدنز، ۱۳۹۵: ۳۸). برطبق نظریه انتخاب عقلانی کلمن (۱۹۹۰) افراد در روابط، هزینه-فایده می‌کنند. جوانان امروز با محاسبه هزینه‌های اقتصادی ازدواج (مهریه، مسکن) و مزایای همباشی (آزادی، عدم مسئولیت حقوقی) به سمت این الگو گرایش پیدا می‌کنند. بورديو (۱۹۸۶) با طرح مفهوم سرمایه فرهنگی-اقتصادی نشان می‌دهد که جوانان فاقد امکانات مالی، ممکن است همباشی را به عنوان راه‌حلی موقت برگزینند (بورديو، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های داخلی (مطلق و قریشی، ۱۴۰۱) نیز بر نقش عوامل اقتصادی مانند بیکاری و هزینه ازدواج تأکید می‌گذارند. بر اساس نظریه تضاد نسلی و افول هنجارهای سنتی (منتسکیوری، ۲۰۲۰)، جوانان امروز در تقابل با ارزش‌های والدین خود هنجارشکنی می‌کنند. همباشی در این چارچوب، نه تنها یک انتخاب شخصی که اعتراضی پنهان به ساختارهای سنتی است. گیدنز (۱۹۹۱) و آپادورای (۱۹۹۶) بر تأثیر رسانه‌ها و الگوهای جهانی بر بازتعریف روابط تأکید دارند. نمایش سبک‌های زندگی غربی در فیلم‌ها و شبکه‌های اجتماعی، همباشی را به مثابه یک گزینه «مدرن» معرفی می‌کند.

در مجموع، همباشی محصول تعامل سه عامل است: فردگرایی (تأکید بر خودمختاری)؛ تغییر ارزش‌ها (کاهش نفوذ مذهب و سنت)؛ و محاسبه عقلانی (هزینه-فایده اقتصادی). از منظر فمینیسم پس‌ساختارگرا (باتلر، ۱۹۹۰)، همباشی را می‌توان چالشی علیه هنجارهای جنسیتی سنتی تفسیر کرد. باتلر با مفهوم «اجرای جنسیت» نشان می‌دهد که روابط خانوادگی سنتی در واقع بازتولید هنجارهای اجباری هستند. همباشی، با حذف قراردادهای رسمی ازدواج، امکان بازآفرینی دموکراتیک‌تر روابط را فراهم می‌کند. فمینیسم لیبرال نیز همباشی را راهی برای فرار از نهادهای مردسالارانه مانند مهریه و ولایت مرد در ازدواج سنتی می‌داند. زنانی که این سبک از همزیستی با شریک خود را برگزیده‌اند نسبت به زنان متأهل کارهای خانه کمتری انجام می‌دهند، در حالی که مردان در هر دو نوع زندگی به یک اندازه به کارهای خانه می‌پردازند. رویکرد پست مدرن در مورد خانواده آن طور که برناردز تشریح می‌کند باعث ایجاد دیدی واقع‌گرایانه نسبت به وضعیت موجود خانواده در جامعه جدید می‌شود (برناردز، ۲۰۱۱). مانوئل کاستلز (۲۰۰۰) در نظریه «جامعه شبکه‌ای» خود استدلال می‌کند که فناوری‌های جدید ارتباطی، بازتعریف بنیادین روابط انسانی را موجب شده‌اند: افزایش دسترسی به گزینه‌های رابطه‌ای از

طریق شبکه‌های اجتماعی (مقایسه دائمی با دیگران)؛ کاهش کنترل اجتماعی (تضعیف نظارت خانواده و جامعه)؛ و ظهور شکل‌های سیال روابط (روابط موقت، چندهمسری مجازی، همباشی). این پژوهش با ترکیب نوآورانه نظریه‌های کلاسیک (اینگلهارت) و نظریه‌های انتقادی (کاستلز و باتلر) به دنبال پاسخ به این پرسش است که «چگونه تعامل ساختارهای ارزشی جدید (فردگرایی، فمینیسم، اقتصاد شبکه‌ای) و ساختارهای سنتی (خانواده، مذهب) الگوی همباشی را در میان جوانان ایرانی شکل داده است؟»

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق با هدف تحلیل تأثیر ساختار ارزشی جوانان بر گرایش به همباشی با استفاده از روش کیفی نظریه زمینه‌ای انجام. جامعه آماری هیات علمی و متخصصان حوزه خانواده بودند و نمونه آماری تعداد ۲۰ نفر از این افراد که به صورت هدفمند انتخاب شدند. در یافته‌های کیفی که مبتنی بر استفاده از مصاحبه‌های عمیق با روش نظریه زمینه‌ای است در یک بخش اصلی به اثرات ساختار ارزشی جوانان در حوزه ازدواج بر تجربه زیسته همباشی پرداخته می‌شود. مفاهیم حاصل از کدگذاری، ذیل، شرایط مداخله‌گر مقوله‌ها قرار گرفت و مدل پارادایمی استخراج شده در چهار بخش شامل: شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها حول پدیده مرکزی شکل گرفت. لازم به یادآوری است که ۱۱۷ مفهوم از داده‌های اولیه استخراج شد. دستیابی به ۳۰ مقوله و ۱۴ مضمون نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها و مفاهیم مستخرج از آن‌ها بود. در مرحله نهایی و کدگذاری انتخابی پدیده مرکزی «زوجیت بی‌ثبات» انتخاب گردید.

یافته‌های پژوهش

شرایط علی پدیده زوجیت بی‌ثبات

جدول ۱. فرایند تبدیل مفاهیم به مضمون‌ها (شرایط علی)

مضمون‌ها	مقوله‌ها	مفهوم‌ها	شرایط علی
جهان‌بینی فرد	ارزش‌های فردی	کم‌رنگ شدن اعتقادهای دینی، ارزش‌های فردگرایانه، در حال زندگی کردن	
	عدم اعتقاد به ازدواج رسمی	نامتوازن بودن حقوق خانواده با شرایط اجتماعی زنان (نداشتن حق حضانت فرزند، کسب اجازه مسافرت و... از همسر)، عدم تمایل به داشتن فرزند	

مضمون‌ها	مقوله‌ها	مفهوم‌ها	شرایط
	تعهد کمتر	نبود مسئولیت‌پذیری، روابط برابری طلبانه	
چالش‌های اقتصادی	هزینه‌های سنگین ازدواج	اجاره خانه، وسایل خانه، مخارج روزمره، جهیزیه، هزینه‌های سنگین زندگی، بالا بودن مهریه	
	روحیه حسابگرانه	مسئولیت مشترک زن و مرد برای تامین مایحتاج زندگی، اهمیت مادیات	
احتراز از فرهنگ و سنت‌ها	مبارزه با هنجارهای سنتی	انتخاب همسر توسط خانواده، مراسم‌های شلوغ با حضور فامیل، دوری از خانواده برای حفظ حرمت‌ها، خانواده سخت‌گیر	
	شکاف نسلی	سخت‌گیری خانواده‌ها برای داشتن ارتباط با جنس مخالف، اصرار بر داشتن مراسم‌های تجمعاتی، نداشتن روش تربیتی درست برای مواجه شدن با مشکل‌ها، لجبازی با والدین	
تمایل به کسب استقلال	مشکلات دوران مجردی	تحمل عقاید خانواده، درگیری کمتر با مسائل خانوادگی، فرار از مسئولیت‌های خانواده	
	مهاجرت تحصیلی و دوری از خانواده	تنها زندگی کردن در شهری دیگر، داشتن خانه مجردی	
	فردگرایی	نیاز به قدرت، داشتن حریم شخصی، آزادی عمل و فارغ بودن از فشارهای خانواده برای داشتن روابط خانوادگی و فامیلی، مراسمات و...	
	تناسب با شرایط فرد	افزایش سن برای ازدواج، تجربه موفق دوستان و آشنایان	
لذت‌جویی جنسی و عاطفی	نیاز به عشق	نیاز به محبت و صمیمیت، آرامش، حال خوب، در آغوش گرفتن یکدیگر، رابطه باکیفیت، درک شور و اشتیاق، دوست داشتن، تجربه فیزیولوژیک عشق، تدریجی و فرآیندی بودن عشق، برطرف شدن نیازهای جنسی	
	تعهد	نیاز به حمایت، اعتماد، صداقت، احترام متقابل	
نپسندیدن ازدواج رسمی	ترس، تردید و بدبینی نسبت به ازدواج	دیدن اختلاف در بین زوجین، ترس از طلاق، گرفتاری‌های پروسه طلاق و بعد از آن، اسارت فرد در ازدواج رسمی، تردید در انتخاب همسر، انتظار همسر	
	لزوم شناخت قبل از ازدواج	محک زدن طرف مقابل پیش از ازدواج رسمی	

شرایط علی زوجیت بی ثبات عبارت اند از:

الف. رویکرد و نگاه مشارکت کنندگان پژوهش، از جمله شرایط علی است که افراد را به سمت همباشی سوق داده و بیانگر پدیده «جهان بینی فرد» است. به این معنا که افراد به دلیل داشتن ارزش های فردی، عدم اعتقاد به ازدواج رسمی و تعهد کمتر اقدام به همباشی می کنند که این ها از طریق کمرنگ شدن اعتقادهای دینی، ارزش های فردگرایانه، در حال زندگی کردن، نامتوازن بودن حقوق خانواده با شرایط اجتماعی زنان (نداشتن حق حضانت فرزند، کسب اجازه مسافرت و... از همسر)، عدم تمایل به داشتن فرزند، نبود مسئولیت پذیری و روابط برابری طلبانه بوجود می آید. مشارکت کننده شماره ۱۵ می گوید:

«به شکل های ازدواج دینی مثل صیغه و حتی عقد هم اعتقاد کمتری دارند، دنبال آشنایی بیشتر هستند. می خواهند خودشان انتخاب کنند بعد خانواده ها و مراسم». (کمرنگ شدن اعتقادهای دینی)

مشارکت کننده شماره ۷ می گوید:

«در ازدواج رسمی مرد مسول امور خانواده است و در مقابل زن هم وظایفی دارد اما در این نوع رابطه مرد براحتهی از مسئولیت ها شانه خالی می کنه و زن هم در خیلی جاها وظایف خود را انجام نمی دهد». (نبود مسئولیت پذیری)

ب. مشارکت کنندگان چالش های اقتصادی را دلیلی برای اقدام به همباشی می دانند که ناشی از هزینه های سنگین ازدواج و داشتن روحیه حسابگرانه است. این ها هم به دلیل اجاره خانه، وسایل خانه، مخارج روزمره، جهیزیه، هزینه های سنگین زندگی، بالا بودن مهریه، مسئولیت مشترک زن و مرد برای تامین مایحتاج زندگی، بازگویی اهمیت امور مادی و اقتصادی است.

مشارکت کننده شماره ۶ می گوید:

«هر کسی میخواد ازدواج کنه ماه ها دنبال جهیزیه و وسایل خونه باید باشه، اما این افراد چون می دانند روابط پایدار ندارند معمولا با وسایل و لوازم ضروری و مختصر زندگی می کنند». (وسایل زندگی).

ج: یکی دیگر از شرایط علی احتراز از فرهنگ و سنت ها است که با مبارزه با هنجاهای سنتی و داشتن شکاف نسلی ایجاد می شود که با این مفاهیم بیان شده اند: داشتن بکارت، انتخاب همسر توسط خانواده، مراسم های شلوغ با حضور فامیل، دوری از خانواده برای حفظ حرمت ها،

سخت‌گیری خانواده‌ها برای داشتن ارتباط با جنس مخالف، اصرار بر داشتن مراسم‌های تجملاتی، نداشتن روش تربیتی درست برای مواجه شدن با مشکلات، لجبازی با والدین.

مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید:

«جوان‌ها دنبال استقلال هستند و می‌خواهند در روابط، نوع پوشش، آرایش، مسافرت، و ... خوششان تصمیم بگیرند و کسی با اونها کاری نداشته باشه، به همین دلیل بعد از یک سنی دیگه خونه والدین برایشون سخته، چون در اونجا باید چارچوب‌ها را رعایت کنند» (دوری از خانواده برای حفظ حرمت‌ها)

د: یکی از عوامل علی‌تمایل به «کسب استقلال» است که به دلیل مشکلات دوران مجردی، مهاجرت تحصیلی و دوری از خانواده، فردگرایی و تناسب با شرایط فرد به وجود می‌آید. این عوامل با این مفهوم‌ها متبادر شده‌اند: تحمل عقاید خانواده، درگیری کمتر با مسائل خانوادگی، فرار از مسئولیت‌های خانواده، تنها زندگی کردن در شهری دیگر، داشتن خانه مجردی، نیاز به قدرت، داشتن حریم شخصی، آزادی عمل و فارغ بودن از فشارهای خانواده برای داشتن روابط خانوادگی و فامیلی، مراسمات و... افزایش سن برای ازدواج، تجربه موفق دوستان و آشنایان.

مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید:

«برعکس دوران مجردی که پدر و مادر خیلی از امور فرزندان را انجام می‌دادند اکنون اینها مسئولیت یک نفر دیگر را به عهده دارند». (نیاز به قدرت)

ص: از دیگر عوامل علی‌تاثیر گذار نیاز به عشق و عاطفه است که معمولاً آغاز این‌گونه روابط نیازهای جنسی و عاطفی نسل جوان است. این عامل با نیاز به عشق دوطرفه و تعهد معنا پیدا می‌کند و با مفاهیم این‌چنینی بیان شده‌اند: نیاز به محبت و صمیمیت، آرامش، حال خوب، در آغوش گرفتن یکدیگر، رابطه باکیفیت، درک شور و اشتیاق، دوست داشتن، تدریجی و فرآیندی بودن عشق، برطرف شدن نیازهای جنسی، نیاز به حمایت، اعتماد، صداقت، احترام متقابل.

مشارکت‌کننده شماره ۱۶ می‌گوید:

«وقتی رابطه جنسی را تجربه کنند طبیعی‌یه که بیشتر به این نیاز توجه میشه». (تجربه فیزیولوژیک عشق)

ل: از جمله عامل‌های علی‌دیگر می‌توان مضمون نپسندیدن ازدواج رسمی را نام برد که ناشی از ترس، تردید و بدبینی نسبت به ازدواج و اعتقاد به لزوم شناخت قبل از ازدواج است که با مفاهیم این‌چنینی بیان شده‌است: دیدن اختلاف در بین زوجین، ترس از طلاق، اسارت فرد

تأثیر ساختار ارزشی جوانان بر گرایش به همبازی

در ازدواج رسمی، گرفتاری های پروسه طلاق و بعد از آن، تردید در انتخاب همسر، انتظار همسر، محک زدن طرف مقابل پیش از ازدواج رسمی.

مشارکت کننده شماره ۶ می گوید:

«برخی از جوانان از ترس قبول مسئولیت و بچه دار شدن تن به ازدواج سنتی نمی دهند».

نگاه منفی به موفقیت در ازدواج)

شرایط مداخله گر پدیده زوجیت بی ثبات

جدول ۲. فرایند تبدیل مفهوم ها به مضمون ها (شرایط مداخله گر)

مضمون ها	مقوله ها	مفهوم ها	شرایط مداخله گر
جهانی شدن	فضای رسانه ها و شبکه های اجتماعی	گسترش ارتباطات در فضای مجازی، برنامه های ماهواره، آشنایی با سبک های جدید زندگی	
	مدرن گرایی	تاثیرپذیری از فرهنگ های دیگر، الگوبرداری از کشورهای غربی، برابری جنسیت	
دگرگونی های فرهنگی و اجتماعی	تحول در نگرش ها نسبت به جنسیت	تحول در نگرش ها نسبت به جنسیت: کمرنگ شدن کلیشه های جنسیتی (فرداست انگاری مردان و تصور فرودستی زنانه) حضور گسترده زنان در اجتماع	
	کمرنگ شدن نظارت	دگرگونی سبک زندگی از سنتی به مدرن، رهایی از ارزش های سنتی و بدون کارکرد، عادی شدن رابطه با جنس مخالف	
	گسترده شدن روابط و مناسبات اجتماعی	شبکه روابط گسترده، روابط محیط کار، ارتباطات آزاد در دانشگاه ها	
ساختار معیوب اقتصادی کشور	بی ثباتی اقتصادی	وضعیت نابسامان اقتصاد کشور، هرج و مرج قیمت ها، سیاست ها و برنامه ریزی های غلط	
	تورم	افزایش روزافزون قیمت ها	
رهایی از قوانین و هنجارهای متداول ازدواج و طلاق	هزینه های گزاف	مراسم های ازدواج (بله برون، عقد، عروسی، پاگشا، خریدهای غیر ضروری ولی مطابق رسم)، پرداخت مهریه، نفقه و...	
	هنجارهای غیر ضروری	مسئولیت های داماد، وظایف خانواده عروس، شیوه سنتی همسرگزینی، اعمال سلیقه خانواده در انتخاب همسر، بکارت، مراسم های پر تجملات	

شرایط مداخله گر زوجیت بی ثبات عبارت اند از:

الف. در شرایط مداخله گر مضمون جهانی شدن تاثیرگذار است که از مقوله هایی چون فضای رسانه ها و شبکه های اجتماعی، مدرن گرایی استنباط شده است که خود برخاسته از این مفاهیم هستند: گسترش ارتباطات در فضای مجازی، برنامه های ماهواره ای، آشنایی با سبک های جدید زندگی، تاثیرپذیری از فرهنگ های دیگر، الگوبرداری از کشورهای غربی، برابری جنسیت.

مشارکت کننده شماره ۸ می گوید:

«ارتباطات مجازی باعث گسترش دامنه ارتباطات و آشنایی با افراد مختلف می شود.»

گسترش ارتباطات در فضای مجازی

ب. در شرایط مداخله گر مضمون تغییرات فرهنگی و اجتماعی مطرح می شود که از مقولات تحول در نگرش‌ها نسبت به جنسیت، کمرنگ شدن نظارت، گسترده شدن روابط و مناسبات اجتماعی ناشی می شود. این مقوله ها برخاسته از این مفهوم هاستند: کمرنگ شدن کلیشه های جنسیتی (فرداست انگاری مردان و تصور فرودستی زنانه) حضور گسترده زنان در اجتماع، دگرگونی سبک زندگی از سنتی به مدرن، رهایی از ارزش های سنتی و بدون کارکرد، عادی شدن رابطه با جنس مخالف، شبکه روابط گسترده: روابط محیط کار، ارتباطات آزاد در دانشگاه ها.

مشارکت کننده شماره ۸ می گوید:

«مسئولیت های قانونی کمتر دارد، طبق قانون ایران ازدواج برای هر دو نفر مسئولیت های قانونی زیادی به همراه می آورد، مثلاً مرد وظایف مالی زیادی دارد، اما در همبستگی الزامی برای پذیرفتن مسئولیت های قانونی به عنوان زن و شوهر نیست.» (رهایی از ارزشهای سنتی و بدون کارکرد)

ج. ساختار معیوب اقتصادی که ناشی از بی ثباتی اقتصادی و خصوصاً تورم است. که با مفاهیمی این چنینی بیان شده اند: افزایش روزافزون قیمت ها، وضعیت نابسامان اقتصاد کشور، هرج و مرج قیمت ها.

مشارکت کننده شماره ۴ می گوید:

«شرایط الان ایران را در نظر بگیرید، هر روز قیمت دلار و طلا بالا و پایین می شود و به تبعیت از این ها همه چیز گرون تر میشه، از اون طرف پول ما ارزش خود را هر روز از دست داده، تا قصد پول جمع کردن برای وسیله ای می کنند، موقع خریدش اون جنس چند برابر شده.» (وضعیت نابسامان اقتصاد کشور)

د. در شرایط مداخله گر مضمون رهایی از قوانین و هنجارهای متداول ازدواج و طلاق استخراج می شود که از مقوله های هزینه های گزاف و هنجارهای غیر ضروری گرفته شده است و دارای این مفاهیم هستند: هزینه های مراسم ازدواج (بله برون، عقد، عروسی، پاگشا، خریدهای غیر ضروری ولی مطابق رسم)، پرداخت مهریه و نفقه، مسئولیت های مرد، وظایف خانواده زن، شیوه سنتی همسرگزینی، اعمال سلیقه خانواده در انتخاب همسر، بکارت، مراسم های پرترجملات.

مشارکت کننده شماره ۱۱ می گوید:

«ازدواج رسمی شرایط سختی داره، فرد کلی باید هزینه کنه برای اینکه زندگی مشترک داشته باشه و از نظر روانی و جنسی ارضاع بشه، اما همباشی هزینه ای نداره». (هزینه های سنگین ازدواج)

راهبرد پدیده زوجیت بی ثبات

جدول ۳. فرایند تبدیل مفهوم ها به مضمون ها (راهبردها)

مضمون ها	مقوله ها	مفهوم ها	راهبردها
پنهان نمودن رابطه	محافظه کاری	پنهانی ماندن رابطه، دوری محل زندگی از خانواده و اقوام و آشنایان، عدم شرکت در برنامه های خانواده و فامیل، سکوت و توضیح ندادن دلیل عدم ازدواج	
	رفتارهای ناصواب	دروغ و دلیل تراشی، بی اعتنایی به نظر دیگران	
مبارزه با سنت	علنی کردن رابطه	اطلاع داشتن خانواده و دوستان از رابطه، ارتباط بدون اجبار	
	مقاومت در برابر فشار فرهنگی	نداشتن بکارت، همراهی پارتنر در مراسم ها	
	کم رنگ کردن تبعیض جنسیتی	اعتقاد به این که قوانین ازدواج رسمی به سود آقایان است، شراکت اقتصادی دو طرف	
قناعت	انتظارهای مالی کم	وسایل زندگی حداقلی، خرید های شخصی محدود، تفریحات حداقلی	
	سهیم شدن دو طرف در مخارج	تقسیم کرایه خانه، خرید وسایل و لوازم زندگی مشترک، اشتغال زن،	
اقدامات ساختاری و کلان	فرهنگ سازی و تشویق جوانان به ازدواج دائم	برنامه های رسانه ها به تشویق ازدواج، تبلیغات	
	فراهم کردن زیرساخت های اجتماعی و اقتصادی	بهبود وضعیت معیشتی، ایجاد اشتغال، مسکن، وام ازدواج، فرزندآوری، طرح جوانی جمعیت و..	

راهبردهای زوجیت بی ثبات عبارت اند از:

الف. در رابطه با راهبردها، مضمون «پنهان کردن رابطه» مطرح می شود که منبعث از مقوله‌های محافظه کاری و رفتارهای ناصواب است که این ها خود از مفهوم هایی همچون پنهانی ماندن رابطه، دوری محل زندگی از خانواده و اقوام و آشنایان، عدم شرکت در برنامه‌های خانواده و فامیل، دروغ و دلیل تراشی، بی اعتنایی به نظر دیگران برخاسته اند.

مشارکت کننده شماره ۱۳ می گوید:

«این افراد غالباً رابطه را پنهان می‌کنند» (پنهانی ماندن رابطه)

ب. در زمینه راهبردها، مضمون «مبارزه با سنت» مطرح می شود که منبعث از مقوله های علنی کردن رابطه، مقاومت در برابر فشار فرهنگی و کم رنگ کردن تبعیض جنسیتی است. این مقوله ها از این مفاهیم برگرفته شده اند: اطلاع داشتن خانواده و دوستان از رابطه، ارتباط بدون اجبار، نداشتن بکارت، همراهی پارتنر در مراسم ها، اعتقاد به این که قوانین ازدواج رسمی به سود آقایان است و شراکت اقتصادی دو طرف.

مشارکت کننده شماره ۱۰ می گوید:

«همیشه ها به اختیار و اراده خود تصمیم به همخانگی می‌گیرند و هر موقع هم بخواهند از

هم جدا می‌شوند». (ارتباط بدون اجبار)

ج. در رابطه با راهبردها، مضمون دیگری با عنوان «قناعت» مطرح می شود که منبعث از مقوله های انتظارهای مالی کم و سهمی شدن دو طرف در مخارج است. این مقوله ها از این مفهوم ها برگرفته شده اند: وسایل زندگی حداقلی، تقسیم کرایه خانه، خرید وسایل و لوازم زندگی مشترک، شاغل بودن زن، توقع پایین طرفین

د. همچنین در خصوص راهبردها، مضمون دیگری با عنوان «اقدامات ساختاری و کلان» مطرح می شود که منبعث از مقوله های فرهنگ‌سازی و تشویق جوانان به ازدواج دائم و فراهم کردن زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی است این مقوله ها از این مفهوم ها برگرفته شده اند: برنامه های رسانه ها به تشویق ازدواج، تبلیغات، آموزش در سطوح مختلف، بهبود وضعیت معیشتی، ایجاد اشتغال، مسکن، وام ازدواج، فرزندآوری، طرح جوانی جمعیت و...

پیامدهای پدیده زوجیت بی ثبات

جدول ۴. فرایند تبدیل مفهوم ها و مضمون ها (پیامدها)

مضمون ها	مقوله ها	مفهوم ها	پیامدها
انتخاب عقلانی	فرصت شناخت کافی	داشتن حق انتخاب بدون دخالت دیگران، تجربه عملی زندگی مشترک، تصمیم به انتخاب، انعطاف‌پذیری و خودمختاری، داشتن همدم و همراه، توافق متقابل، تمرین زندگی مشترک	
	کاستن از جبر فرهنگی	احترام به حریم خصوصی دیگران، عادی شدن به جا نیاوردن آداب و رسوم	
انزوای فردی و اجتماعی	مشکلات روانی	مخفی کردن رابطه، نداشتن شرایط فرزندآوری، ناامیدی از آینده، کاهش سطح اعتماد به نفس، دروغ‌گویی، ترس و اضطراب از رسوا شدن، احساس گناه، ترس از آینده، نداشتن امنیت روانی	
	فقدان مشروعیت اجتماعی	عدم حمایت اجتماعی، طرد خانواده، برچسب خوردن و انگ اجتماعی، نداشتن زندگی معمولی	
کاهش سطح تعهدها و مسئولیت‌ها	عدم تمایل به فرزندآوری	سقط جنین، رها نمودن فرزند، جلوگیری از بارداری و عدم تمایل به داشتن فرزند	
	تعدد رابطه	سادگی قطع رابطه، در دسترس بودن پارتنر دیگر، فرار از مسئولیت، مشکلات بهداشتی و جنسی	
افزایش روابط آزاد در سطح جامعه	ضعف ساختاری تشکیل خانواده	افزایش سن ازدواج جوانان، هزینه‌های سنگین تشکیل ازدواج، عادی شدن روابط پسر و دختر	
	تغییرات رفتاری جوانان	تغییر الگوها، تنوع سبک‌های جدید زندگی، سست شدن بنیان خانواده سنتی	

پیامدهای زوجیت بی ثبات عبارت‌اند از:

الف. در زمینه پیامدها، مضمون «انتخاب عقلانی» مطرح می‌شود که منبث از مقوله‌های فرصت شناخت کافی و کاستن از جبر فرهنگی است که این‌ها خود از مفاهیمی چون داشتن حق انتخاب بدون دخالت دیگران، تجربه عملی زندگی مشترک، عشق دلیل انتخاب، انعطاف‌پذیری و خودمختاری، داشتن همدم و همراه، توافق متقابل، احترام به حریم خصوصی دیگران، عادی شدن بجا نیاوردن آداب و رسوم برخاسته‌اند.

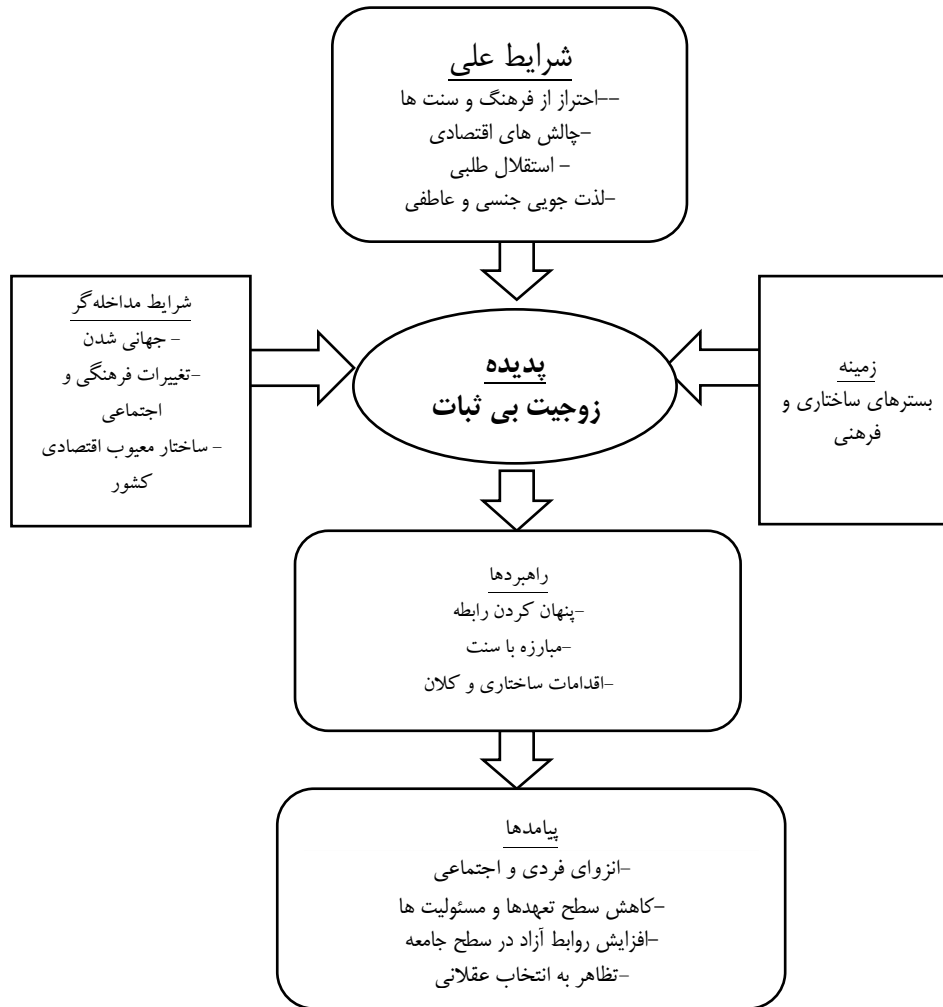
مشارکت کننده شماره ۹ می گوید:

«رهایی از تنهایی و داشتن همراه و همدل» (داشتن همراه و همدم).

ب. در رابطه با پیامدها، مضمون «انزوای فردی و اجتماعی» مطرح می شود که منبعث از مقوله های مشکلات روانی و فقدان مشروعیت اجتماعی است. این مقوله ها از این مفهوم ها برگرفته شده اند: مخفی کردن رابطه، نداشتن شرایط فرزندآوری، ناامیدی از آینده، کاهش سطح اعتماد به نفس، دروغ گویی، ترس و اضطراب از رسوا شدن، احساس گناه، ترس از آینده، عدم حمایت اجتماعی، طرد خانواده، برچسب خوردن و انگ اجتماعی، نداشتن زندگی معمولی. ج. همچنین در زمینه پیامدها، مضمون دیگری با عنوان «کاهش سطح تعهدات و مسئولیت‌ها» مطرح می‌شود که منبعث از مقوله های عدم تمایل به فرزندآوری و تعدد رابطه است. این مقوله‌ها از این مفاهیم برگرفته شده‌اند: سقط جنین، رها نمودن فرزند، جلوگیری از بارداری و عدم تمایل به داشتن فرزند، سادگی قطع رابطه، در دسترس بودن پارتنر دیگر، فرار از مسئولیت، مشکلات بهداشتی و جنسی.

د. در مورد پیامدها، مضمون دیگری با عنوان «افزایش روابط آزاد در سطح جامعه» مطرح می شود که منبعث از مقوله های ضعف ساختاری تشکیل خانواده و دگرگونی رفتاری جوانان است. این مقوله ها از این مفاهیم برگرفته شده اند: افزایش سن ازدواج جوانان، هزینه های سنگین ازدواج، عادی شدن روابط پسر و دختر، تغییر الگوها، تنوع سبک های جدید زندگی، سست شدن بنیان خانواده سنتی.

با توجه به مطالب گزارش شده می توان مدل پادایمی این تحقیق را این گونه ترسیم نمود که در آن «زوجیت بی ثبات» به مثابه پدیده مرکزی نشان داده شده است. زمینه، شرایط علی، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها نیز در کادر مربوطه گذاشته شده است که توضیح آن ها پیش تر آورده شده است.



شکل ۱- مدل پارادایمی «زوجیت بی ثبات»

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیر ساختار ارزشی جوانان بر گرایش به همباشی و با استفاده از رویکرد گرندد تئوری انجام شد. پدیده مرکزی این تحقیق با استفاده از روش نظریه زمینه ای «زوجیت بی ثبات» است. یافته‌ها نشان داد که همباشی در میان جوانان ایرانی پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر برهمکنش‌های پیچیده‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

شکل می‌گیرد. از سویی، تحولات ارزشی ناشی از گذار به مدرنیته، شامل تضعیف ارزش‌های سنتی (مانند تأکید بر ازدواج رسمی و خانواده گسترده) و تقویت فردگرایی، آزادی جنسی و عاطفی و نیز اولویت‌دهی به رضایت شخصی، جوانان را به سمت این الگوی رابطه‌ای سوق داده است؛ و از سوی دیگر، چالش‌های اقتصادی نظیر بیکاری، تورم و هزینه‌های سنگین ازدواج همبازی را به مثابه راه‌حلی عقلانی و کم‌هزینه برای تأمین نیازهای عاطفی و جنسی مطرح کرده است. به اعتقاد بسیاری از خبرگان، جوانان همباز با «چالش‌های اقتصادی» درگیر هستند. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتایج تحقیق (مطلق و قریشی، ۱۴۰۱)، همسو است. افراد همباز غالباً ویژگی «احتراز از فرهنگ و سنت‌ها» را دارند. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات (جعفری، ۱۳۹۶)، (امیدوار، دانش و زاهدی، ۱۳۹۸)، (مطلق و قریشی، ۱۴۰۱) و (محجل کاظمی، ۱۳۹۹) همسو است. این افراد «تمایل به کسب استقلال» دارند. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات (امیدوار، دانش و زاهدی، ۱۳۹۷)، همسو است. جوانان معتقد بودند «لذت جویی جنسی و عاطفی» جز نیازهای اولیه است که باید به آن پاسخ داده شود. نتیجه این قسمت از تحقیق نیز با نتایج تحقیقات (گلچین و صفری، ۱۳۹۶)، (محجل کاظمی، ۱۳۹۹)، همسو است. «نپسندیدن ازدواج رسمی»، یکی از دلایل وارد شدن افراد همباز به این نوع رابطه است. اکثریت جوانان همباز، تاحدودی با تاثیرپذیری از نپسندیدن ازدواج رسمی بر تجربه زیسته همبازی موافق هستند. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیق (محجل کاظمی، ۱۳۹۹)، همسو است.

شرایط مداخله‌گر مانند جهانی‌شدن و تغییرات فرهنگی ناشی از آن، به‌ویژه از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، تصویری «مدرن» و جذاب از همبازی ارائه کرده و هنجارهای سنتی را به چالش کشیده است. در عین حال، ساختار معیوب اقتصادی کشور، این گرایش را تشدید کرده است. از بین شرایط مداخله‌گر، برطبق دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در دهه‌های اخیر، به واسطه فضای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، بر رویکرد و نگرش افراد تاثیرگذار بوده و آنها را به سمت مدرن‌گرایی پیش برده و به خیلی از رفتارها شکل داده است که تحت عنوان مضمون «جهانی‌شدن»، نام‌گذاری شد. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات (دانش و همکاران، ۱۳۹۷) همسو است. «تغییرات فرهنگی و اجتماعی» که در ابعاد مختلف جوامع را در بر گرفته از جمله عوامل مداخله‌گر نگرش به همبازی است. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات، (محجل کاظمی، ۱۳۹۹)، همسو است. در شرایط «ساختار معیوب اقتصادی کشور»، که بی‌ثباتی

اقتصادی و تورم پدیده محسوسی است ساختار ارزشی جوانان در زمینه ازدواج از این پدیده تحت می پذیرد. ساختار معیوب اقتصادی که ناشی از بی ثباتی اقتصادی و تورم است نیز همین تاثیر را دارد. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات (اکبرزاده، ۱۳۹۹)، همسو است.

راهبردهای اتخاذشده توسط جوانان، از جمله پنهان کردن رابطه یا مبارزه با سنت‌ها، نشان‌دهنده تقابل میان ارزش‌های نوین و ساختارهای سنتی حاکم بر جامعه است. در مقابل همه عواملی که برشمرده شد، راهبردهایی ارائه شد که غالباً «پنهان نمودن رابطه»، پرکاربردترین عملکرد شخصی افراد بوده است. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات (محجل کاظمی، ۱۳۹۹) همسو است. جوانان همباز راهبرد «مبارزه با سنت‌ها»، را در پیش گرفته اند. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات (گلچین و صفری، ۱۳۹۶)، (امیدوار، دانش و زاهدی، ۱۳۹۸)، (محجل کاظمی، ۱۳۹۹) و (اکبرزاده، ۱۳۹۹) همسو است. در نهایت اینکه جوانان معتقدند پیامد این تصمیم برای زندگی مشترک «تظاهر به انتخاب عقلانی» است؛ زیرا جوانان به این ترتیب فرصت کافی برای شناخت دارند و از جبر فرهنگی هم کاسته می شود. نتیجه این تحقیق با نتیجه تحقیق (اکبرزاده، ۱۳۹۹) هم راستا است. در این نوع ازدواج معمولاً «کاهش سطح تعهدات و مسئولیت‌ها» مفروض و قطعی تلقی می شود. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات (گلچین و صفری، ۱۳۹۶)، (محجل کاظمی، ۱۳۹۹) همسو است.

پیامدهای این پدیده‌ها نیز قابل تأمل هستند: همبازی اگرچه می‌تواند به مثابه راه‌حلی موقت برای برخی نیازهای فردی عمل کند؛ اما در سطح کلان، به کاهش تعهدات اجتماعی، افزایش روابط آزاد و در نهایت انزوای فردی منجر می‌شود. همچنین است تظاهر به انتخاب عقلانی، به این معنی که در حالی که این الگو ممکن است تحت تأثیر فشارهای اقتصادی یا هنجارهای نوین جهانی باشد، نشان‌دهنده تناقضی در توجیهات جوانان نیز هست که یکی از پیامدهای قابل توجه آن «انزوای فردی و اجتماعی» است. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتیجه تحقیقات (گلچین و صفری، ۱۳۹۶) و (امیدوار، دانش و زاهدی، ۱۳۹۸)، همسو است. اگر رابطه همبازی بیشتر شود به تدریج «افزایش روابط آزاد در سطح جامعه» هم بیشتر می شود. نتیجه این قسمت از تحقیق با نتایج تحقیقات ساسلر و لیچتر (۲۰۲۰)، ویجند (۲۰۲۳)، وندی منیگ و همکاران، (۲۰۱۵)، میلسو ویتوکاوا و همکاران، (۲۰۱۴) همسو است.

در مجموع، می‌توان گفت همبازی در ایران نه صرفاً برآمده از انتخاب آگاهانه و آزادانه جوانان که محصول تعارض ساختارهای سنتی با الزامات دنیای مدرن است. این پدیده بازتابی از

گذار ارزشی ناقص است؛ جامعه‌ای که در آن ارزش‌های فرامادی مانند آزادی فردی و عشق رمانتیک رشد یافته‌اند، اما نهادهای اجتماعی و اقتصادی هنوز با این تحولات هماهنگ نشده‌اند. بدیهی است که برای سیاست‌گذاری در این حوزه، باید به ریشه‌های اقتصادی این گرایش توجه کرد و باید به بازتعریف گفت‌وگوی بین‌نسلی درباره ارزش‌های خانواده و روابط پایدار پرداخت. در غیر این صورت، همبازی می‌تواند نه به مثابه یک انتخاب آگاهانه، بلکه به عنوان واکنشی انفعالی به ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تداوم یابد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که همبازی رابطه‌ای است که مورد تایید فرهنگ ایرانی - اسلامی نیست و عموماً افراد همباز در جامعه مورد شماتت قرار می‌گیرند. همبازان در جامعه هم امنیت ارتباطی ندارند، زیرا شیوه ازدواج رسمی در فرهنگ جامعه ایرانی پذیرفته شده است. تأثیر جهانی شدن با ابزار رسانه‌های متنوع، بر نگرش نسبت به همبازی در این تحقیق نیز به اثبات رسید. با توجه به استقبال وسیع جامعه مورد مطالعه از شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر ارزش‌های خانوادگی، بهتر است رعایت مسائل اخلاقی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در اولویت قرار گیرد. توجه بیشتر خانواده‌ها بر زندگی و آینده‌ی فرزندان و راهنمایی لازم در زمینه‌ی رعایت حدود و نوع روابط دختران و پسران با یکدیگر باعث کاهش میزان ازدواج غیررسمی می‌شود. کاهش رسم‌ها و سنت‌های دست‌وپاگیر مربوط به مراسم ازدواج از قبیل مهریه، خرید وسایل عروسی و تالار و... که هزینه‌ی اقتصادی بالایی را به همراه دارد می‌تواند در این زمینه تأثیرهای مثبتی داشته باشد. بنابراین با ترویج فرهنگ ازدواج آسان و پرهیز از هزینه‌های سنگین تشریفاتی، می‌توان تمایل جوانان را به ازدواج رسمی و قانونی افزایش داد. از آنجا که اغلب همبازان رابطه خود را پنهان می‌کنند بنابراین لازم است که آگاه‌سازی لازم از طریق سازمان‌ها و نهادهای مرتبط و با ابزارهایی که در اختیار دارند انجام شود تا این شکل از ازدواج به تدریج کمرنگ‌تر شود.

منابع

- امیدوار پوران، پروانه دانش و محمدجواد زاهدی مازندرانی(۱۴۰۱)تحلیل جامعه شناختی پدیده همبازی از منظر روحانیون و جامعه‌شناسان، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره یازدهم پاییز ۱۴۰۱ شماره ۳ (پیاپی ۴۳).
- باومن، زیگموند. (۱۳۹۴). عشق سیال. ترجمه عرفان ثابتی، تهران، انتشارات ققنوس.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۷)، تمایز، مترجم: حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث
- جعفری، الهه، (۱۳۹۶)، تغییر مفهوم خانواده از ازدواج سفید تا همجنسگرایی؛ با نگاهی بر سبک زندگی، آسیب‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان سال سوم، شماره ۸، صص ۱۶۵-۱۳۷.
- حسینی ناهید سید محمد سیدمیرزایی باقر ساروخانی(۱۴۰۱)، مطالعه جامعه شناختی رویکرد جوانان به همبازی و همزیستی های نوپدید، تغییرات اجتماعی - فرهنگی سال هجدهم زمستان ۱۴۰۱ شماره ۷۱ دانش، پروانه، امیدوار، پوران، زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۹۷)، بررسی عوامل موثر بر گرایش به زندگی مشترک بدون ازدواج در بین جوانان شهر تهران، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، شماره ۳، صص ۳۱-۹.
- رمضاتی فر، حدیثه، آدیش، محمدعلی (۱۳۹۷)، مطالعه تجربه زیسته‌ی افراد در مورد ازدواج سفید در ایران (مطالعه‌ی کیفی جوانان شهرستان گیلان)، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، شماره ۱، صص ۲۱۷-۱۹۵.
- رمضانی فر، حدیثه و آدیش، محمدعلی. (۱۳۹۷). مطالعه تجربه زیسته افراد در مورد همبازی در ایران (مطالعه کیفی جوانان شهرستان گیلان). فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی. ۷ (۱): ۲۱۷-۱۹۵.
- علیپوردی نیا اکبر و سیده المیرا اوصیاء هادی عباسی کلان(۱۴۰۲)، تبیین جامعه شناختی نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج سفید: کاربست نظریه یادگیری اجتماعی ایکرز، مسائل اجتماعی ایران سال ۱۴ پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره ۲
- گلچین، مسعود، صفری، سعید (۱۳۹۶)، کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرآیند، و پیامدهای هم‌خانگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱، صص ۵۷-۲۹.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۴). چشم‌اندازهای جهانی. ترجمه محمدرضا جلائی پور. تهران: طرح نو
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۵) جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
- محل کاظمی، ثنا. (۱۳۹۹). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر گرایش دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و دولتی شهر تهران نسبت به ازدواج سفید. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

چیت ساز، محمدجواد (۱۴۰۱)، بررسی وضعیت همباشی در ایران: فراترکیب پژوهش های همباشی، پژوهش مسائل اجتماعی ایران دوره دوم پاییز ۱۴۰۱ شماره ۵
مطلق معصومه و مهدیه قریشی (۱۴۰۱)، مطالعه جامعه شناختی پدیده همباشی در شهر تهران، پژوهش مسائل اجتماعی ایران دوره دوم پاییز ۱۴۰۱ شماره ۵.

- Beinaroviča, O. (2013). The Historical Development of Regulation of Non-Marital Cohabitation of Heterosexual Couples and Its Effect on the Creation of Modern Family Law in Europe. *THE INTERACTION OF NATIONAL LEGAL SYSTEMS: CONVERGENCE OR DIVERGENCE?*, 28.
- Berrington, A.B., Perelli-Harris, B., and Trevena, P. (2015). Commitment and the changing sequence of cohabitation, childbearing and marriage: insights from qualitative research in the UK. *Demographic Research* 33: 327–362.
- French, M. T., Popovici, I., Robins, P. K., & Homer, J. F. (2014). Personal traits, cohabitation, and marriage. *Social science research*, 45, 184-199.
- Hiekel, N. and Castro-Martín, T. (2014). Grasping the diversity of cohabitation: Fertility intentions among cohabiters across Europe. *Journal of Marriage and Family* 76(3): 489–505.
- Hiekel, N., Liefbroer, A.C., and Poortman, A.R. (2014). Understanding diversity in the meaning of cohabitation across Europe. *European Journal of Population* 30(4): 391–410.
- Monika, M., & Bernardi, L. (2007). Meanings and attitudes attached to cohabitation in Poland. *Demographic Research*, 16, 519-554.
- Muthengi Eunice, Laura Muthoni, Karen Austrian (2022), Comparing Cohabiting Unions and Formal Marriages Among Adolescent Girls in Zambia: The Role of Premarital Fertility and Parental Support, Journal of Adolescent Health, Volume 70, Issue 3, Supplement, March 2022, Pages S47-S53*
- Pilar Wiegand Cruz(2023), The changing social gradient of marriage and cohabitation in seven Latin American countries, *Social Science Research*, July 2023.
- Regnerus, M., & Uecker, J. (2011). *Premarital sex in America: How young Americans meet, mate, and think about marrying*. Oxford University Press.
- Sassler Sharon, Daniel T. Lichter (2020), Cohabitation and Marriage: Complexity and Diversity in Union-Formation Patterns, *Journal of Marriage and Family*, Volume 82, Issue 1, Pages 35-61, First published: 05 January 2020 <https://doi.org/10.1111/jmfm.12488>.